

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوردستان

ناشنه تفصیلی

هیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۱۲

شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

استقلال کرد

ظلم و ستم چند ساله اعمال پیرحانه و خیانتکارانه اکثریت اصالح مامورین دولت مردم کردستان را جان آورده . فریاد های شکایت آمیز و استغاثه های مکرر این مردم در دولت مرکزی کوچکترین اثری نپوشیده . سرنوشت اگر ادمچنان بدست گروهی مامور نادان و خودخواه و جاه طلب سیرده شده است .

تاریخ شش هزار ساله ایران ، بگانه معرف عدیت و سربلندی این کشور در نظر اولیای دولت و مسئولان امروز کنای ضمیم و نهان در زیر قشرهای قطور گردو خاک چیزی بیش نیست . آنهاست که خود را مسئول این مملکت میدانند ، آنهاست که در این کشور امر و نهی میکنند آنهاست که فلم در دست گرفته دستورات صادره را امضاء مینمایند هیچکدام این فکر نبوده و نیستند که گردو و غبار این تاریخ طیس را پاک کرده در خلال اوران آن خطای مطاله کنند با اطلاع از چگونگی وضع این کشور در ازمته مختلفه فکر زمامداری در حال حاضر باشند .

من اولیای امور را مخاطب قرار داده میگویم شما که خود را ایرانی میدانید و در هر مغلی دم از وطن پرستی و ایران دوستی میزید چرا این مدعی را در عمل به ثبوت نپرسائید .

اگر خورده برده ندارید ، اگر واقعا ایران را دوست میدانید و اگر به نظمت آن علاقندید چرا سنی نیکبند نضایابی که در این کشور روی میدهید دقت مورد توجه قرار داده دستوراتی صادر کنید که علیه بحال کشور و قابل اجراء در این مملکت باشد .

شما برای سلب مسئولیت از خود و برای اینکه بظاهر انجسام وظیفه نودن خود را نشان دهید و برای اینکه پروانه تشکیل شود که در آن امضاهای چند از شما به یادگار بماند سعی میکنید بنویسید

ولو اینکه بی معنی باشد ، ولو اینکه دروغ باشد .

فکر نیکبند نوشته شما را مردم میخوانند و این مردم فهم دارند و تظاهرات شما را خوب تشخیص میدهند و به شخصیت واقعی شما بی میرند . ولی گمانی و قضاوتی ایجاب میکنند بنا به حفظ مصالح طالب کشور که برای شما جر عیارتی نیست مردم و روشنفکر سکوت اختیار نوده مظاهر سازی های شما را آشکار میکنند . ولی وقتیکه کار بدستخوان برسد دیگر کار شوخی بردار نیست و این تظاهرات بی منای شما را تحمل نمیکند ، سکوت را میشکنند ، آندر میگویند تا شما تغییر رویه دهید اگر حرف و نوشته هم اثر نکرد و باز بر پیش مردم شنیدید آنوقت است که مشت های لرزان این مردم ضعیف قوی آبی گرفته مغز شما را خورد خواهد کرده .

ما از شماره ۵ نامه کوهستان با کمال تراکت مشتات و خوشنودی به لبات ناروایی که در کردستان فعلا انجام میشود گوشزد کردیم . ضمنا سوابق تاریخی اکراد را در ستون و منتهه مخصوصی برای روشن شدن ذهن شما نگاهشیم و اطمینان داشتیم که تمام این مطالب تاریخی برای شما که حوصله مطالعه کتب را ندارید بصورت خلاصه اگر نگاشته شود مفید خواهد بود .

سعی کردیم داستان های سرسام آور و فجاجع حال دولت را که در سزات اخیر در کردستان صورت عمل داشته ذکر نکشیم تا مبادا از این راه مردمان حساس این ناحیه را تحریک کرده باشیم .

سعی کردیم در هر مقاله و هر نوشته آنان را بپراحم دولت امیدوار کنیم ، سعی کردیم بگوئیم دولت های حاضر غیر از دولت های گذشته است ، آنچه را مامورین بشما فشار میآورند بسر خلاف

نظر دولت است . دولت کردستان را منطقه حساس و لازم و قابل توجه و دوست داشتنی میدانند . دولت خدمات تاریخی اکراد را در نظر گرفته اکر ناپاکتربهایی هم تا بحال مامورین کرده اند باید فراموش کرد .

ما سعی کردیم در مطالبی این مسامحه دولت و این نظریات خصوصی که عده ای از مسئولین امور ا حال مینمایند مردم حساسان کردنتین را بصبر و تحمل و بازمه انتظار دولت کنیم تا شاید در طول این مدت اشغالی مطلع و بینظر بر سر کار آیند و بتوانند حرفهای مردم را بشنوند ، و بجهت آنچه را مامورینسیم . در این مدت ما از ذکر و بیان حقایق نظمی خودداری کردیم زیرا یاد دانی درین نبرده با اگر بوده فرصت و مجاز رسیدگی بکار نداشته حال که دولت جدید بر سر کار آمده تو جهش را بدو اینکه مسئله اساسی و حیاتی جلب میکنیم و آن مسئله استقلال کرد است .

دو یکی دو هفته قبل در دو سه روزنامه مرکز مطالبی راجع به استقلال کرد درج شده بود این چند روزنامه اصل موضوع را از روزنامه کردان چاپ رضیه نقل و با بامقتصر تبیر و تذکری چاپ کرده بودند .

مانند خواهیم این مطلب را به تکذیب کنیم به تصدیق زیرا اگر تکذیب کنیم میگویند چون روزنامه را بکنفر کرد مینویسد و مطالبی که مینویسد برای دفاع از حقوق اکراد است بکطرفه تضاد کرده و حقایق را مکتوم داشته است اگر هم تصدیق کنیم با اطلاعی که از جریان اوضاع و احوال داریم بک موضوع دور از ذهن و فکر و عمل را گواهی داده ایم و برخلاف افکار عمومی لغت بی جای کرده ایم .

ما سریباً میگوئیم مسامحه دولت و اولیای مسئول مملکت بیش از این جایز نیست با مقدرات مردم زحمت کش و بردبار بیش از این نباشد بازی کرد . بیش از این نباشد بگزارشهای بی منی چند نفر خائن پشاه و ملت و مملکت ترتیب اثر داده . اکر ا . ایرانی را نباید فدای هوس رانی چند نفر نمود ، اظهارات غرض آلود و جاهلانه چند نفر موجی نسجیده را نباید شاخ و برگ داد .

دولت اگر واقعا ب فکر مملکت و مردم است باید بیدار باشد اینگونه مسائل را رسیدگی و تحقیق کند . دولت با اعزام هیئتی باید بچگونگی امر ، صحت یا ستم آن واقف گردد . در انتخاب هیئت اجزائی باید دقت کند زیرا این هیئت ممکن است دو نوع باشد .

۱- هیئتی برای تشکیل و زنده مرکب از اشخاص داوطلب مانند سرتیپ هوشمند افشار ، سرهنگک باینده و مثلا سرگردی که بنام بازرسی بکردستان اعزام میشود ولی ماموریت دارد راجع به انتخاب فلان برای وکالت زمینه سازی کند چنین هیئتی گزارشی بدین قرار خواهد داد :

کردستان عملاً مستقل ، دارای یک پادشاه کرد ، بک هیئت دولت ، قوای تابعیه ، مامورین مسلح در مرزها و ... است بطوری که قط با چند لشکر میتوان بحد کردستان وارد شد و باید بلافاصله پس از نبردهای خونین همه ای مخصوصاً از اهالی مراباد را توقیف و با اعدام نمود و فوراً خلع سلاح عمومی شروع گردد . بنیادهر صفحه ۸

خلاصه پیام مارشال استالین

رفقا! همه یهنا!

چون ۴ می ابروی قول زبانی
آلمان اطلاع داشتیم که پیمان ها و مفاهیم
نامعادله که در باره میدانده مبرکی که بحرف
آنها اعتماد داشته باشیم در دست بودند
اینکه سیاهان آلمان برای احضار صورت
مجلس و امراهی آن اسلحه را زمین
گذاشته و سیاهان ما تسلیم شده

این دیگر کار فایده ایست این تسلیم
لاشروط و قید آلمان است که امروز تحقق
نمود گرفته است گرچه عده از سیاهان
آلمانی هنوز در چنگ املوکی از روی
نوسیدی و اس بیچنگد ولی ارتش
دلار و سرخ آنها را پوش آورده و گوشه ای
سختی خواهد داد صاحب و رنجها و تحمل
سختها و زحمانیکه ملت ما در راه پیروزی
کشته امروز معلوم میشود که بر نتیجه
بوده و بیکاری که مال اسلحه از دستهای
بشا و استقلال خود میکردند پیروزی
بر استالین و آلمان و بر ستکاری آن ها
متنی شد.

رفقا! چنگ بزرگی را که برای
نجات مین و حفظ استقلال خود آغاز
کرده بودیم با پیروزی کامل مسا حانه
یافت.

دوره چنگ در اروپا پایان رسیده و
از هم اکنون پرچم بزرگ آزادی ملل بر
فراز اروپا در اهتزاز است.

رفقا! آلمان شکست کالی خورده
است. اتحاد شوروی مظفر و پیروز از بکار
بیزن آمد ولی در صدد تجزیه و نابودی
آلمان میباشد.

هم مینان عزیزم پیروزی را بشا
تبریک میگویم.

قرین افتخار و مباحث با ارتش
لیومند سرخ که حافظ استقلال و وطن مان
میباشد چاره و زنده باد ملت بزرگ ملت
پیروزند ما.

چاودو قرین افتخار باد نام تهرمانی
که در نبرد ما با دشمن از یاد آورنده و جان
خود را در راه آزادی و یکپختی ملت ما
کرده اند!

پیام اعلیحضرت فهمایونی

شکر خدا را که غوغیته نه شک اروپا بیابان
رسید و زمین است چنگ با زبون کور متجاوز دیگر
هم قریبا باشکست آن دولت با بان خواه یافت

موقیت ملی که برای آزادی دنیا داخل مبارزه
شده اند محسوسا من بن بزرگ خودمان شاین تیرک است
و ملت ایران باید پلتهایی که در اروپا از قید بندگی آزاد
شده و راندردانی که برای تحصیل این آزادی جانیازی
کرده اند از سیم لب تهنیت و درود بارسند.

اگر چه در این چنگ ارتش ایران وارد نبود و
شاید هم وضعیت جغرافیائی کشور ما اقتضا نداشت حقه
بشرکت در مبارزه و کمک تقدیمی مبادرت کند ولی
شکی نیست که در سه سال اخیر ملت ایران داخل در این
نبرد عظیم بوده و با تمام وسایل موجود از قبیل راه آهن
و راههای شوسه و نظریه تاکرایی و انرا از کارگروزارغ
و اینیه و موسسات خود کمکهای نمایان کرده و متحمل
صدمات و مشغله آلی شده است.

مالا باید شو شوق باشیم که اوژ در استرار اساس
آزادی و عدالت که مقصود اصلی از این چنگ بود
موقیت حاصل نموده ایم ثابا فداکاری های ما مورد
تصدیق و قدر دانی ملل ناتج قرار گرفته است چنانکه
اتحاد نماینده ایران در هیئت مبرور کنفرانس سانرانیسکو
از علائم این تصدیق است و ما نیز میشود که ایران در
سازمان جدید دنیا ذیدخل و عایده او دارای اهمیت است
متلی که بر پایه آلمان داخل چنگ شدند بعضی است
منظورشان جلوگیری از تجاوز و خود سری برای وفایست
حفظ تمدن دنیا و دفاع از مین و حفظ آزادی و استقلال
کشور خود بوده و البته مقصود و مرام آنها عالی و ممدس
است.

ایران هم که شیفه و معذوب همین مرام گردیده
و صدمات تحمل کرده است باید از نرات فداکاری خود
بهره مند شود.

تاج رجه ای که از این چنگ میتوان گرفت
اینست که ملوم شد تجاوز و زور گزینی در دنیای آزاد
و عدالتخواه مردود و منجر بواقف شوم میگردد و نیز دیده
شد کشورهای که وحدت و یکپختی کامل در بین مردم
آن ها نبرد چه صدماتی بجات ملی و افتخارات تاریخی
خود وارد نمودند البته ملت های بزرگ قانج سعی خواهند
نمود بند از چنگ روابط بین همه ملل نارس شود که
از منافع صلح عادلانه منتفع گردند.

کشور ما هم که محتاج به ترمیم خرابی ها و خسارات
و مستحق ترقی و منتظر کمک و مساعدت دیگران است
و در عرصه حیات نوین دنیا باید وارد شود تکلیفش اینست
که از افکار مسوم بیهیزد و فقط اطاعت از قوانین و
حفظ مصالح عالیه مملکت و اتحاد و یکپختی را شعار و
آمین خود قرار بدهد تا بخواست خداوند و با فعالیت اهتمام
در سایه جایز و عدالت اجنماعی به تحصیل موجودات زنده گالی
بایندن و تأمین رفاهیت افراد ایرانی بنائل گردد.

پایان جزله اروپا

ساعت ۱۵ بعد از ظهر سه شنبه گذشته
رئیس جمهوری آمریکا از پنج قید و سخت
وزیر انگلستان بوسیله رادیو خانه چنگ
اروپا اعلام داشتند.

متر ترومن رئیس جمهوری آمریکا
و ملی تعلقی افنتر داشت ژنرال ایرنهار
بن اطلاع داده است که نیروهای آلمان
به دول متفق تسلیم شده اند. پرچم های
آزادی در براسراوربا به شتر از آورده
است. برای امراز این پیروزی، اکنون
ما باید بدیدر گمعداوند مثل که مارادرووز
های تاریخی رهبری کرده شکر گذاری کنیم
از جهت فداکاری های زیادی که ما ای از بین
بردن هتلر و حال خبیث او بعمل آورده ایم
سروو شفته نمانده است هم مینشان
آمریکائی من. ما باید غصه ی را که
اکویدر نفلوبه ساکنان ماست فراوش
کنیم حساسیگانی که دار و ندار بر تبت
آلمانهای دست آوردن آزادی ما شده است
مانع مینماییم و وسیله کار و کوشش
دین خود را بخدا باز دست راننگان خود
و با طمان خود ادا کنیم.

اگر من بخوام شاری برای املوکی
آینه شامین کنم این شعار این خواهد بود:

کار و کار بخت
ما برای پایان دادن چنگ باید کار
کنیم پیروزی ما نیمه تمام است اروپا آزاد
شد ولی آسیا هنوز در قید است و ملی -
آخرین لشکر ژاپونی بدون قید و شرط
تسليم شد آن وقت کار چنگی ما سپایان
رسیده است.

سیر متر ترومن اعلامیه ای را که
مشر بختنه باطن چنگ اروپا بود اطلاع
جهایان رسانیده

متر چرچیل نخست وزیر انگلستان
در مقدمه نطق خود چگونگی اوضاعی نزار -
ادوار نکر از رخ داده انصرانی. آنگه از طرف
متنبن این قرارداد را مصاد کرده اند نام برد
مسار بریتان گفت که درجه خاور
هنوز بیسی از آلمانها دست از مقاصد بر
نداشته اند و البته برای پایان دادن پیروزی
مقاومت آنها اقدامات لازم بعمل میاید
سپس سبتمبر ۱۹۳۹ را یاد آورده از
حله آلمانها بمتان سخن گفت و اظهار داشت:

پس از آنکه فرانسه رسیده کرد -
انگلیسها در جزیره خود در برابر توری
خود چنگ ادامه دادند تا آنکه تبری
عظیم ارتش سرخ و منابع هنگفت کشور
های متحد آمریکا بدانها پیوست و بالاخره
این نیروها دست بست هم داده بدکاران
را از میان بردند

آنگاه متر چرچیل ملت انگلستان
را بر خرد داشت از اینکه فراموش کنند
زاین نیز ازین وقت است.

نخست وزیر گفت ما باید اکنون
تمام هم خود را مصروف شکست زاین -
نماییم و نطق خود را با این سه عبارت
مصحح خاتمه داد: پیش رو بر نشانیا پاینده
باد آزادی زنده باد شاه.

بنام آقای دکتر یونس برهامی

نکات اساسی بهداشت روزانه کودک

...

همان اندازه که طرز تغذیه و شیر دادن کودک در نشو و نما او مدخلیت دارد همان قدر مراعات بهداشت عمومی و قواعد پاکیزگی در بندبندی مزاجش اهمیت بسزایی داشته و در حقیقت مسئولیت این امر مخیر بر سر دمه خود والدین کودک میباشد.

اهمیت هوا و روشنائی

نوزاد انسان مثل يك كیاه جوان است كه احتیاج شدیدی بنور آفتاب و هوای سرفه دارد. اینست. طمان مگویی کودک آینهی رویه آفتاب و در هر چند ساعت بیخوابی و سینه باز کردن پنجره ها هوای آنرا تجدید نمایند. هنگام روز درجه گرمای اطلاق در حدود ۱۷ - ۱۸ و شب ۱۴ الی ۱۵ باشد.

در فصل زمستان استعمال بخاری نفتی یا چینی در اطاق کودک مناسب نیست و بهتر است که سینه قرار دادن کبیه آب گرم دو خوابگاه مفصل گرمای لازم را ایجاد نموده و نگهدارند. هوای اطاق گرم و غیر قابل تنفس شود.

ریان گرد و خاک و مگس - با مسوور دانسته معروف فراموشی بوسه زدن سینه تجارب علمی و عملی به ثبوت رسیده که در گرد و غبار معمولی يك صده موجودات بی نهایت کوچک یافت میشود با مگس میکروب که بیشتر آلوده و مومند بسیارهای اساسی میباشد. پس طفل خود را حتی لقمه در فراموشی گرد و خاک قرار ندهید - هنگام جارو کردن اطاقها گاهواره را در محل دیگر بگذارید و در اطاقی که آرایشگاه کودک میباشد از قرار دادن پرده ها و قالی ها و اثاثیه که گرد و خاک را در نسج خود متمرکز می سازند اجتناب کنید.

دیگر موضوع بگفتار است که مخصوصاً در کوهستان نمایی زبان خشک آنها و به از دیدار گفته و در واقع در کوهستان نظریه کودک بسیار بیرون.

این حشرات صرفاً نظر از میکرب هایی که با خود حمل و نقل میکنند با پیش خود پوست لطیف کودک را مورد تهاجم قرار داده و ممکن است باعث تولد جوش و چرک و زخمهای مختلفه بشوند.

پنجاهایر از استعمال تمام وسایلی که برای دور کردن مگسها و حشرات دیگر معمول است (مانند امش و اول آن) خودداری نماید نمود نیز گاهواره طفل را با پنجه بند مضرط داشته و آنرا در جای خشکی قرار دهند.

زندگی روزمره کودک

در گاهواره طفل را بیشتر بیهلو

اثر طمع هه ناز دلی دایک

دلیری ناز دبه لای دلداری آخ له بهر دلبرو داخ بودلداز دایکی توکبشه به من ده مروشی زور خراپه له گلم ساره دوار . هه ریان بهر بوهه تا اواروی نهوه گرتومیه نیوته وس و بهلاز .

تایلی بهس له گلم ر و ناخوش خوچیه پیش جهولم دورله شمار چاهای مونی له ولم تیری و های داوه - گیرانه و معه خوشه بهزار . نا نهوه ماوه بهزاری من و نو قه دو هه کوبنه له گوبن ژدهری مار .

نابنه بهک له گه لت تانه کوژی پیره دایکت که منی دا آزار . ده توی ببه ژنت ؟ هه لسه برو پیکوژده سینگی به شخبر که شه قار . دلی ده وینه به گرمی و به خون بومنی بینه له بات سیوو هه ناز .

آگری تورهی من داده مری کادی نوش سازه نه مینی بهر کار . کوبی بوش له هه اول انستیک شبت و دیوانه و به خسه و به نیار . که وره دایکی له بیروچه که بوی ده بهر و ساو نه ده حه جسی به چه بار .

دایکی کوشت سینگی دری گور که دلی هینایه ده رو کردیه غار . رو به مالی کچه که و هشتانو دلی دایکی له له بی داگیاندار . که و ته ههردی وله بری هایشکی که می روشا و دلی دایکی به ناز که و ته نیوخول - که هه لستابوی جو پیستو دهسکی له دل نه گوت هاوار .

کوره کم لاتی ببه ره ایشاوه داخه کم ده ستوبلی بولامار . نیشتمان دایکه کوری چابنه کی دلی بی شینی به هیچ بازی هه ژار . این ایشاوارا که ترجمه دل مادر (اثر ابرج) به کردی است آقای صدق حیدری مخیر و نماینده نامه کوهستان دو مهاباد ارسال داشته اند .

شکایت راجع به استرداد املاک

همه ای از خوانین متمدنی دهستان حسین آباد شرح مفصلي به اداره روزنامه نوشته اظهار داشته اند املاکشان سابقاً غصب شده و در تاریخ ۲۳/۱/۲۵ هریفه به پیشگاه اطه حضرت هابونی مروش داشته تمامی احقاق حق نموده اند نه به دادگستری کرده اند و محول شده و باوجود اینکه بازوئی هائی شده دادگستری به شکایت آنان ترتیب اثر نداده است . امض کنندگان این نامه مفصل ابوالعباس هادی قبادی - سرفاقت قبادی و قیصراف امینی تقاضا دارند انلا بیاس شدائی که چند سال اخیر تحت پرستی مرحوم سرلشگرامین و مرحوم سرتیب ارفع نموده و میراثب خدمتگذاری خود را عرضه داشته اند بهر ایش حفاشان رسیدگی شود .

کوهستان - انظار ما ان است حسه او ایای دولت توجه بهر موصی به عنابر سرگردستان داشته و به شکایات حفا آنان جهاد رسیدگی نمایند .

بخوا یانید تا اگر استفراغی روی دهد از ده نش بسهوات بیرون آید و داخل مجاری تنفس نکرده .

در ضمن مواظب باشید که مدت زمانی روی يك بهلو نخواهد زیرا استفراغهای کودک بواسطه گرمی معده و سوس که تا اند شکل طبیعی خود را از دست میدهند . چه بسا سرها و سینه ها که بر اثر فشار گهواره از شکل انسانی خارج شده و به صورت نامناسب و ناوژیوسی درآمده اند .

وقتیکه طفل بیدار است بگذارید بهودی خورد بازی کرده و خوشتر را مشغول نماید و باحرکات و گنگوهی بی دردی او را شسته نشود - معصوماه مرها و ششها استراحت او را محترم شده و باخرشان بهمانی و تاشاخانه همراه فریاد

دلیری است کودک را شام روز نباید فریاد زیاد شود گداشت - گهگاه او را در بر گرفته و گردش بدهید متنها یا بسنی مراب باشد به این حالت برای او هادی نشود زیرا بله ها اسباب زحمت شمارا فراهم آورده و معصوماه شیها که بعضی بیدار شدن مالی است به انطقی عادت او را در بطل بگیرد تا مجددا بخواه رود .

السته مادران از این زحمت وقتی آورده خواهند که مدتی خوب سردی بهرح داده و بگریه و زاری کودک را به اثر نمده تا به دی خود ساخت شده و هه های مدهوای خویش از مدهد .

دراوان پنج مالگر هسگا بیکه کودک قادر به نشستن میشود و با بهر خواهد سریا پایسته بانیهات زیاد او را خسته نکرده و بگذارید طبیعت این دلفن ا بهرح بار بی ناموزد وظیفه شماست راهنالی و مواظبت حرکات اوست معصوماه وقت که طفل مدهوای حط و سبب نری را در لاکه خود قرار دهد آوقت یا ستر هر لفظ مراب باشد که زمین نیافته - پنجره ها و پنجه ها و اجناس آتش خود را زده باشد - با اسباب خطر نک بازی نکرده و بستن و سوزن و کاره توچین نداشته باشد .

بهترین وسیله برای محافظت کودک در این موقع بکوبه چهار دیواری هوسی مرسوم باک است که طفل را در وسط آن قرار داده و او را بهر دستگذارید - زیرا هر این مدهوطه کودک که اطراف آن را چهار جهت هوسی مدهوای نموده است کودک خواهد توانست خود را با اسباب بازی سرگرم نموده و نشستن و ایستادن و راه رفتن را بیل آزاد خود بهاموزد .

...

پلم آلمانی معدوم و (آباده گردانی)

۰۱۲۰

گرد و گردستان

در هنگام غلبه استبداد رومی بر ایران هر چند گروه کردها تحت استیلاء بودند. مابداً اماکن خود را از تجاوز مرداران و جانشینان اسکندر محفوظ داشتند.

مدت قریبی که لشکر اسکندر در اطراف کردستان بوده اند. بیش از همان تقاطعی که محل لشکر بوده در تصرف نداشته اند.

« اصل سوم » اینکه کرد و ماد هم جدا نیستند. اعم از اینکه کرد جزو ماد باشد. یعنی « مادا » اولاد دیگر هم داشته باشد.

چنانکه این قلاب و آثار مورخان بر آن بنیاد هستند که کرد و دیلم و گبر و نبط و خز و گسرموک اولاد مادا هستند - با اینکه کرد مراد مادا باشد.

بنی ماد اولاد دیگر داشته باشد. و سلاو منحصر بکرد بوده باشد.

بر هر تقدیر کرد نیز از ماد نیست و برای اطلاق کلمه ماد بر کردها بیجانی موجود نیست.

در کتاب عشق و سلطنت صفحه ۷۵ « بنویسد که زبان مادها از زبان کردی بوده است. اکثر مشرقین هم دارای همین عقیده اند.

« اما گروه پارس. اگر بر طبق عقیده آن تالان و مورخان کرد. او هم پسر مادا باشد. در این صورت با کرد برادر خواهد بود.

و اگر پسر « گورم » یعنی کیومرث باشد در این صورت پارس برادر زاده ماد

خواهد بود. یعنی کرد و پارس پسر عوی همدگر میشوند.

و اگر پارس پسر خود بابت باشد. چنانکه بعضی از مورخان نوشته اند که پارس. و خزر. و سلاب. و سلسان. و خلیج و غز. و ترک. و چین. و کماری (یعنی بلغار) و برتاس. اینها همه اولاد بابت پسر نوح اند.

در این صورت پارس با ماد و گورم برادر میشوند. یعنی عوی کرد خواهد شد.

اما این عقیده هم خیلی ضعیف و عاری از دلایل و قرائن است. و عقیده دوم نزدیک بقرائن است که پارس از نسل گورم باشد که عرب عامی با آمو میگویند و پارس گیومرت میخوانند.

از تفاسیل مذکور در دلایل و قرائن مذکور که ذکر همه آنها با نظر اختصاراً مناقات دارد. کاملاً بطور قطع روشن میشود که کرد و پارس همدو از نژاد آری اند. و دلیلی که بتواند آنها را از قبایل سانی مرفی کند موجود نیست - رجوع به اسکالیدی انگلیسی. و تاریخ امراء کرد. تالیف سلطان مدوح. و دائره المعارف آلمانی. و دائره المعارف بزرگ فرانسه. و کتاب هنت مجهوله تالیف جیامل مورخه ۱۹۰۰ میلادی و تالیف مسیو ژوزف گریشک. در منشأ اگراد مورخه « ۱۸۶۶ » میلادی و جاماسنامه. تالیف پیر جاماسب اورامی پدر پیر شهریار اول. و تاریخ قدیم اورامان. تالیف ملا شریف ال پدر ملا سندی قاضی. جد والی کردستان.

شورای عالی قضائی

بمنظور دفاع و تأمین حقوق عموم بجهت مشرکین و خواستگاران گرامی روزنامه گوهستان از تاریخ پانزدهم اردیبهشت ۱۳۲۴ در دفتر روزنامه گوهستان مجلس مشاوره قضائی تحت نظر آقای قبادیان و کیل درجه اول داه کسری و سه نفر از وکلای دوجه اول دیگر تشکیل گردیده است.

کارکنان روزنامه گوهستان با اقدام به تشکیل و تأسیس شورای عالی قضائی میخواهند از هر گونه تعدی و تجاوزی که نسبت بخواستگان و مشرکین این روزنامه میشود عملاً بوسیله وکلای زبردست عضو این شورا در حدود مقررات موضوعه جلوگیری و دست متدیان را از هر کس و هر مقام که باشد بوسیله محاکم قضائی و با مراجع اداری اعم از لشکری و کشوری کوتاه نمایند.

برای توضیحات بیشتر با ما مکاتبه کنید.

از لحاظ مرتب رسیدن روزنامه های سندج از این شماره یعنی روزنامه وسیله نمایندگی نامه گوهستان آقای عباس آزاد پور ارسال میگردد.

مشرکین محترم سندج مینوانند برای برداشت وجه اشتراک هم با ایشان مراجعه نمایند.

« هالیس » سرحد آسیای صغیر که آن را رود « قزل ابرماق » نیز گویند و داخل دریای سیاه میشود.

و شمالاً یعنی سمت بالای تنه دریای خزر. رود ارس و جبال ارارات نامتبردی دری سیاه میشود.

و جنوباً یعنی سمت پایین تنه سرحد پارس و خوزستان در این محدوده گردستان جزو مادستان است.

اگر ما میخواهیم که کردستان را از مادستان مجزی کنیم حدود مادستان اینها میشود

غرباً ارمنستان و کردستان

جنوباً خوزستان و پارس

شرقاً افغانستان

شمالاً ترکستان و دریای خزر

این حدود مادستان حتمی است که منقسم بدو قسم بوده.

بگنیم « ماد بزرگ » که عبارت بوده از عراق عجم یعنی - کرمانشاه و همدان و قزوین و ری و عراق و نهاوند و اصفهان و غیره که لرستان و مازندران و خوزستان هم جزو این قسمت است. قسم دوم « ماد کوچک » که عبارت بوده از صفحه آذربایجان - مرکز سلطنت مادها پیش از کتیباد کرد « تیسفون » بوده. تقریباً ۲۵۵ فرسنگ در جنوب بغداد. در ساحل شرقی « دجله » که آنجا را (مادایان) گفته اند. بعد تعریف به « مداین » شده است.

در زمان کتیباد کرد که دولت ماد را بطور رسمی تشکیل داد پایتخت کشور ماد شهر اکباتان شد یعنی همدان کنونی که آن را « شهر سبز یا سبز شهر » نیز گفته اند. و تا زمان انارش سلطنت « آزدیابک » جد مادری کوروش کبیر همانجا پایتخت ماد بوده است.

در زمان کوروش هم مدنی همدان. بعد « احسان » یعنی اصفهان کنونی. پایتخت کشور ماد بوده است. فرمان کوروش راجع بتیمیر « بیت المقدس » در دفترخانه آنجا پیدا شده. چنانکه در تورات در کتاب عزرا « یعنی عزیر » فصل ششم مصرح است. و همین دلیل است که سلطنت کوروش را سلطنت مادها گفته اند. و توانسته اند سلطنت « هخامنشی » بگویند. چنانچه بعد ذکر میشود.

(ماد و مادستان)

بطوریکه سابق هم در شماره دوم نامه گوهستان اشاره شد. و در بند پنجم از بخش یکم از کتاب « تاریخ مردوخ » مفصلاً بیان کرده ایم گروه « ماد » عبارت از فرقه دوازدهم سیزده فرقه از نژاد آری است که هنگام تفرق و مهاجرت به نواحی ری و آذربایجان آمده اند و در آذربایجان سکونت گزیده اند و آن مساکن را « مادستان » میخوانند.

بطوریکه مرحوم نجم الدوله در کتابه البراهین نوشته مرز کشور ماد از این قرار است:

در سمت شمال بحر خزر. درست مغرب ارمنستان در سمت جنوب ملکش پارس و سوزیان « بنی خوزستان »

در سمت مشرق آری. یعنی افغانستان که سابق « آریا » گفته اند. حاکم نشین کشور ماد هم اکباتان معرنی کرده است که نوس در سال « ۱۲۸۰ » قبل از اسلام در آبیانله محلی بنا کرده بدسلاطین دیگر آنجا را توسعه داده اند.

اما هر دو طرف و فردوسی حدود مادستان را اینطور بیان کرده اند.

شرقاً دست راست تنه رود جیحون که آن را رود آمو میگویند از سرحد ترکستان میگردد و داخل دریای اورال میشود. اما در سابق دریای خزر می رفته است.

و غرباً یعنی دست چپ تنه رود

اخبار شهرستانها

بقیه از صفحه ۲

اخبار سقز

۱- وضع شهرداری بسیار خراب است نرخ نان و گوشت و غیره وضع می دارد خیابانهای شهر نظافت ندارد برق معدوم است خرابی مردم شبها از روشنایی چراغهای نفتی استفاده میکنند

۲- وضعیت فرهنگ و باهنظامات روز به روز تعداد دامکاران تحصیل کمتر میشود بطوریکه تعدادشان از ۵۰۰۰ به ۱۲۷ نفر کاهش یافته کلاسهای اکابری اسی بیش نیست

۳- وضعیت برای دبیرستان فرستاده میشود به صرف تعمیر نرسیده بنای آن در حرف افتاده است

۴- تکرانها و راههای پستی اغلب پس از سانحه هم بحد نرسیده

۵- خلاصه سقز را محیط مرگباری احاطه کرده است

اخبار کرمانشاه

۱- روز سه شنبه ۱۱/۲/۱۳۴۲ از طرف حزب توده مشکلی داده شد متینک در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر شروع و بدون اینکه اتفاقی بیفتد خانه پذیرفت

۲- آقای سرهنگ شه رشتاهی فرمانده تیپ سرگز احضار شده سرهنگ نسرانی با باند بجای ایشان بکرمانشاه وارد گشت

۳- اخبار شایع شده که میخواهند ۷۵ دوجله از کارمندان دولت را بقتل تحویل بدهد از خدمت منافع نایند این شایعه در روئیه عموم کارمندان تاثیر واضعتراب عمومی وانرا هم نندوداست

اخبار سنندج

۱- دوازده خلع سلاح نمودن ماکین رسول آقای بزمه مورد سله ساروقین قرار گرفته ساروقین فراوانی دیده این اتفاق در تاریخ ۲۴/۲/۱۳۴۲ (پنی همان موقع که ستاد ارتش رسما اعلام داشت کوچکترین حادثه ای روی ندهاده) واقع شده

۲- برق سنندج آریب بکاماست پکی از کار افتاده و آن چراغهای بی نور سابل هم دیگر مصرفی ندارد

در ۲۴/۲/۱۳۴۲ برای نام کارمندخله در دهگان زیر انومیل رفته و مغزش منلاشی گشته است

خلع سلاح

*

بر اثر اقدامات ستاد ارتش و عملیات خلع سلاح لشکر ۴ کردستان تعداد ۴۱۶ قیبه تفنگک پنج تیر و ۲۳۸ قطعه سلاح سیستم مختلف تاکنون جمع آوری شده و عمل خلع سلاح در کردستان ادامه دارد.

این بود خبر رسمی که هفته گذشته در جراید مرکز منتشر شده بود. اگر کسی مطلع نباشد قطعاً برحسب آورنده این اسلحه های مدعش هزاران تحسین خواهد گفت و بر شجاعت و فراست او آفرین خواهد فرستاد.

شاید در اصطلاح علمی و فنی «خلع سلاح» جمع آوری اسلحه های مجاز دولتی اطلاق شود ولی در اصطلاح عوام «خلع سلاح» جمع آوری اسلحه های را گویند که برخلاف مصالحت جمعیت یا ملیتگی بکار برده شود.

اثر جمع آوری چند تفنگک پنج تیر کهنه را از ماکین شهری که آن اسلحه ها را برای فقط امنیت قسمتی اماکن بکار میبرد بتوان خلع سلاح امید تفنگهایی را هم که پاسبانان یا سربازان پس از انجام خدمات مشمی و شمرین مجدداً با نهار تحویل میدهند باید خلع سلاح گفت باوجود اینکه در این مملکت بازو خواستی در میان نیست چرا معامات رسمی بخود حجت میدهند چنین اخباری را منتشر کنند.

مگر وقتی که کاری نباشد مجبورند غیر بتراشند و با واقعاً تصدی در میان است که با چنین اخباری شده ای از سلسله این مملکت و باغی جاره دهند

اگر برای تثبیت مقام دوستان است خیر را بزرگتر کنید و بگویید اگر این اسلحه ها جمع آوری نشدند اگر ادر علیه حکومت مرکزی قیام میکردند نه تنها استقلال کرد را از دست میدادند بلکه بیان حکومت مرکزی را نیز منزل می ساختند باین سادگی و مقصدی که نوشته شده بود چندان اثری ندارد زیرا اتفاقاً در کپه جرابه مرکز با حروف ریز هم چاپ شده بود و چندان جلب توجه نمی نمود.

آگهی - حصر وراثت

بتاریخ ۱۵/۲/۱۳۴۲ آقای غلامعلی (اتحادیه) بشناسنامه شماره ۲۶۴۸ با شناسنامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۲۸۱/۲۴/۱۳۴۲ داده باینکه مرحوم عباس اتحادیه شرعی دارنده شناسنامه شماره ۳۸۴۸۰ که جایگاه هیشگی او در تهران بوده در تاریخ شهر یور ماه ۱۳۲۲ در ماکو شهید شده و در وقت متوفی منحصراً بیتر و بیگ و وارث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه ای از متوفی دارد در دوطرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۱ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی - حصر وراثت

بتاریخ ۱۲/۲/۱۳۴۲ آقای محمود بیگ بشناسنامه شماره ۲۷۱ طبق تقاضا نامه شماره ۲۰۴۷۰ مورخ ۲۵/۲/۱۳۴۲ با شناسنامه و رونوشت شناسنامه تقاضای گواهی نامه حصر وراثت نموده بدین توضیح که مرحوم ح- میرزا احمد بیگ زائر دارنده شناسنامه شماره ۲۰۷۸۸ در تاریخ ۲۲/۲/۱۳۴۲ در تهران جایگاه هیشگی خود وقت یاد شده تقاضای پس و بانوان فاطمه بیگ زائر شناسنامه شماره ۲۰۷۹۴ و نسرین بیگ زائر شناسنامه شماره ۲۰۷۹۰ و زهرا مرهودی بشناسنامه شماره ۹۵۱-۹۵۰ دختران متوفی و وارث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه کشور شاهنشاهی و یکی از روزنامه های مرکز آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه ای از متوفی دارد در مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۲/۱۳۴۲ آقای سه مهدی رضوی بوکالت از طرف شاطر محمود دل کرام نزاد با شناسنامه بیکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۲۴/۱۵۳/۱ داد باینکه مرحوم شاطر حاسی (فرخ بخش نزاد) دارنده شناسنامه ۱۷۰۵ در تاریخ ۱۳۱۳/۲/۱۳۴۰ در تهران جایگاه هیشگی خود وقت فوت و بانو زهرا (فرخ بخش نزاد) بشناسنامه شماره ۲۸۴۵۵ در روئیکاه وارث منحصراً میباشد و بعد از فوت زهرا (فرخ بخش نزاد) دارنده شناسنامه شماره ۲۸۴۵۵ در تاریخ ۱۰/۲/۱۳۴۰ در تهران جایگاه هیشگی خود وقت فوت و آقایان شاطر محمود و محمدجعفر و لطف الله و غلام رضا پسران و بانو خلیفه دختر متوفی و وارث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه ای از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۱ رئیس کل دادگاههای تهران امامی اهری

اشعار و ضربات آهنگهای کردی را که برای درج ارسال می فرمایند خواهشمند است با خط خوانا مرقوم دارید که در موقع چاپ بدون غلط باشد.

در تاریخ ۲۶/۲/۱۳۴۲ در شهردهانی به وسیله ساروقین مسلح برهه و زور در محفل دیوانه شده دو شیبه یک نفر زاندارم متغول به تفرغی و منداری اناژی و اموال بقتارت برده شده است.

نامه ها و شکایات وارده

مذمت نامه کوهستان
 برای درج شکایات و پیشنهاد
 های اصلاح طلبانه شما باز
 است.
 برای این که بتوان
 کاپه شکایات وارده را درج
 نمود از خوانندگان محترم
 تقاضا میشود حتی المقدور
 باانتصار بردارند زیرا ما
 مایلم عین مطالب رسیده
 را چاپ کنیم در صورتیکه
 مفصل باشد ناچاریم آنرا
 خلاصه اوده چاپ کنیم
 شکایات وارده هر قدر
 متین تر و بر مضمین تر باشد
 مؤثرتر است.

ادلمه مارا مجبور بچین عملی نموده اند
 آقای سایم زر زاده است در بیان
 اظهارات خود از در ارتش میباید که این
 قسم مامورین را بیشتر تحت امانت و اذیت
 قرار داده و در مواردی که چنین اظهاراتی
 مینمایند بدون دقت و رسیدگی کامل به
 صرف اظهار عاری از حقیقت و ماجرایی
 جویانه مامورین اگر اذیت شریعت نموانند

از سندج

آقای حاج سید شهاب الدین نقشبندی
 از انتشار نامه کوهستان اظهار
 عقلائی جناب آیت الله اظهار استنسان و
 سیاستگزاری نموده اند.

از سقز

آقای جلال حجازی از انتشار نامه
 کوهستان اظهار مسرت کرده اند

از رضائیه

آقای خلیل حیدری از انتشار نامه
 کوهستان اظهار خوشوقتی کرده اند

از سندج

آقای حاج محمد سلامی از انتشار نامه
 کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از خوانندگان محترم تقاضا میشود
 مقالاتی را که برای درج ارسال میدارند
 حتی المقدور مختصر باشد بطوریکه از
 دوستون کوچک تجاوز نمایند.

از سه چشمه
 آقای میر آقا نورمحمد اهل همدان
 از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده
 اند.
 از زمره
 آقای حاج محمد ابن رحیم زاده
 ضمن نامه ای از انتشار نامه کوهستان اظهار
 خوشوقتی کرده اند.

از سقز
 آقای علی محمد و سید علی تلکراف فعلی
 خود را در این تیرماه به ریسی اظهار نیکوگویی
 و خدمتگزاران مدتی مری نموده است.

از همدان
 آقای بازید آقا ایلخانی می نویسند:
 با کمال همت و منتهای صمیمیت انتشار نامه
 نامر کوهستان را خود و تمام کردها و
 به طرف وادیات ایران تهنیت میگویم.
 امیدوارم خداوند بفرم خود حضرت مالی
 و سایر کارکنان آن اداره را بطوری موافق
 فرماید که این مصباح هدایت روز بروز
 منورتر گشته و بسبب سعادت خود و
 گریها در پرتو خورشید تابان سعادت و
 واقعاتی های آن بشماره اخلاقی هر چه
 شادمانی بهم رسانیده و بر آن مالک شوند
 و بیگانه و دوری با هر گز جای خود را
 بشناسد با اینصفت سلکت به هم اولی
 امور سلکتی با نظر دوستانه تر که حاکی از
 مهریوری باشد از زبان منطقه کوهستان
 نگاه و هم کردها بواسطه آزادی خویش
 بهتر آشنا گشته و بسبب دولت را بخود
 متوجه نمایند...

از تبریز
 آقای خسرو ذوالفقاری دانش آموز
 شانزدهم متوسطه دبیرستان فروردین تبریز
 کافه فصلی نوشته و با جملات و عباراتی که
 تراش احساسات می آرایش ایشان
 می آید مارا از انتشار نامه کوهستان
 تبریک گفته اند و به مراتب که بسایند
 افکار پاک و سنده جوان گرد است از
 پیش از پیش امیدوار میکنم و بادامه این
 خدمت موسی تشویق بنمایند.

از اهنویه

آقای کریم زرزا با اشاره بسواق
 خدمتگاری خود و طایفه زرزا اودرات
 تقاضا مینماید که نسبت غارت و خسارتی
 که بدستگاه میراده وارد آمده توجیبی
 مبسوط فرمایند.

از سقز

آقای سلیم زرزا و دستار حاج بسوق
 استنسانه می که در روز جمعه بی تون در
 سال ۱۳۲۳ شده بر ویسه در موقتی که
 تون حاضر بود تلگرافی بر رئیس دخیلات
 رضائیه مخابره نموده و حاضر بودن تون
 و اطلاع داده رئیس دعاهت جواب داده
 تون خریداری نشود چند روز بعد کاظم
 نامی و اهرام و بهرید تون درجه ۴
 مشمول و ارتقا همان نرخ بر دم باش را
 پرداخت ولی در موقع حساب با دولت همه
 درجه یک حساب آورده و قنیکه این اض
 بر مرکز اطلاع داده میشود و از رئیس دخیلات
 توضیح بخواهند جواب میدهد که اگر از زرزا

بودن اینها را درج بکنند
 خانم کلولا با اگر چه از هیچ چیز جز خود سری او شکات نداشت
 و او هر اس که بهت میباید و خطه ای خود را بظلمت میآورد و مادرش حق
 میداد که آقا زرزا مولد باشد چه نعمتی که با او استرانی نکرده چه
 مضنای باخراش که با گفته و قلیش و ابرو به دار ساخته بود
 با این افکار از حرکت نمودن از میا خانه هم پشیمان شده
 خواست در شکر را متوقف کرده دوباره بساغر نامه برگردد اما تنگراه
 و غمت زیاده بود چه از بهر که در خانه دور بزم بلکه در خانه
 بزمیت مستوانت از افتادن اینها جلو گیری کند. هر اس ناچار از تصمیم
 خود متصرف شد
 خانم کلولا با ساکت نشسته دیگر گریه نمیکرد. هر اس برای
 جلب رضایت مادر چاره ای جز پورش و میندوت از خطاهای خود نیافته
 پس صدای سلام و معنون گفت: مادر جان من از این خطه
 شادان اینطور آزرده خاطر کردم متأسفم و از این که با را ناامیل
 اینگونه بی علاقه و گستاخانه حرف زده ام پشیمانم و انگهی من از
 کجا میدانستم که او آنکسی میداند.
 خانم کلولا با دوا می داد به حرکت بر جای ماند او میل نداشت
 باین آسی از خطه های پسرش چشم پوشی کند و این پرورش هابری
 تسکین غم و اندوه از کالی نبود.
 هر اس از بی انتظامی مادر ماول شده بود دیگر حرفی نزد
 دنبال سخن راهم نگرفت.

خانم کلولا با گفت پس است گمان میکنم بظواهری و او گول
 بزند. شاد در طی این چند روزه دیگر احترامی برای من بفرستاده
 شام و چای و زجر و موسیقی های خود فکر می کند. ای وارده مادر در زده
 هشی چیز و غیر است. زده او در حدیث شاد است. لذت نگرفته است. در
 اینجا خانم کلولا با نتوانست از ورزش اشکهایش جلو گیری کند. هر اس
 لحن ناآرام و مزاحمت مادر جان چنین نگویید.
 خانم کلولا با با صدای شکست آمیز گفت: آری مدتی سکوت
 کردم و خود سر بهای شادان تحمل نمودم و اینک نتیجه اش را می بینم. هر اس
 در مقابل این حرف جوابی نیافته ناچار سکوت اختیار کرد سپس از غایت
 اندوه کلامش را تا روی چشمش پالین کشیده سر در بگوشه در شکره کشیده
 دور فکر فرود رفت.
 او سرزنش های مادرش مادم کرده بود اما این بار مشاهده افک
 های مادر قلب او را بسختی میفرستد بشن گوش و اگر گرفته بود آورد که
 لفظ بگوشه دیگر در زندگانی سبب گریه مادر شده است. به طریقی آورد
 آن زمانی را که به پیازی هفت میلا شده در پیشتر افتاده بود و لحن را به
 لحنش می آید. یاد میآورد آن شبی که مادر تصبغ در گذارش بداد
 میباید و از او پرستاری میکرد سپس خاطر آورد و دوری را که ناچار حیات
 او قطع امید کرده و روزی را که بزرگ بود داده بود بعد از آن مرض
 واقع شده بود و او طمعی نخواهد یافت و خطه آرزو آن ده بی را که مادرش
 او را در گوش گرفته در سینه میفرستد و از مدت شادی اشک بر پشت و
 او درود گار را هزاران بار شکر میکرد. آنکه هر اس بود میگفت آیا اگر
 خادم میدانست که امروز بیشتر آزرده خاطرش خواهم کرد باز هم برای

مراجعت فرمانده لشکر کردستان

*

دوشنبه ۸ روزنامه کوهستان مورخ ۲۷ فروردین ماه موقعی که فرمانده لشکر کردستان بر کراخسار شده بود چند مطلب را تذکر دادیم که در اطراف آن ستاد ارتش تحقیقاتی نباید حال که ایشان مجدداً بکردستان مراجعت کرده اند؛ اینها ستاد ارتش تحقیقات لازم را نود و بیس ایشان اجازه مراجعت داده است.

اینکه ما از ستاد ارتش تا نا می‌توانیم که نتیجه تحقیقات خود را برای روشن کردن مطلب در معرض افکار عموم قرار دهیم و تذکرات شماره ۸ را به صورت سؤال طرح می‌کنیم:

۱- علت پشتیبانی فرمانده لشکر کردستان از محدودگانی سانی که علناً عدم صلاحیت و حیانت او از طریق مقامات دولتی در مجالس شورایی اعلام شده چیست؟

۲- حیات واقعه جاف چه بوده، بچه طریق روسای جاف با ایران آمده، چگونه دستگیر شده اند و چه جنگی روی داده و بچه گشامی بدست آمده و غنایم بحساب چه شخصی منظور شده است؟

۳- دولت بدرقاری فرمانده لشکر کردستان با مردم چیست؟

۴- قضیه شمس جلای و توقف او در منزل فرمانده لشکر در موقعی که این کلاه بردار تحت تعقیب مقامات دولتی بوده و بعداً به وسیله جیب ۱۱۵۹۹ فرار داده شده حقیقت دارد یا غیر؟

سؤالات دیگری هم هست که پس از وصول پاسخ ستاد ارتش به این چند سؤال طرح خواهد شد.

از سه تری

شکایت از فرسیدن سهمیه

وزارت جلیله دارائی رونوشت مجلس رونوشت هیئت وزراء و رونوشت کوهستان از تاریخ انتقال آقای صالحی به امور اتنصادی کرمانشاهان تست انظم زارعبین کیایی که حفا و امانا و رکن عامل زراعت باختر هستند و قسمت سهمیه ارزاق عمومی محتاج الیه دولت را تدارک و تحویل میکنند از بردن سهمیه قند و شکر و جای و نمک و محروم مانده اند و سهمیه آنها نصیب اشخاصی شده که در انجام مقاصد شوم و نظرهائی خائنانه صالحی شرکت داشته اند اگر این توزیع شکر و جای و نمک برای ارزاق بزادعبین و تشویق این طبایفه بوده بچه منظور و تیریش در آن کرده اند.

آیا دولت برای زارعبین کلیائی سهمیه قائل شده یا غیر در صورت اول چرا بانطب داده نشده و در صورت دوم چرا به بعضی که نظر آقای صالحی را تیرمن کرده اند داده شده آیا این تیریش با امر دولت و ده بانظر صالحی و دولت آن چیست و بیش از این طانت تحمل این اجحاف خائنانه صالحی غیر صالح را نداشته و تماشای امر فوری بتوزیع سهام گذشته و آنی خود را داریم.

علی اکبر قبادی - سالار قبادی - صادق کریمی - ابراهیم کریمی.

تذکره دوستانه

در اینروزنامه اخیر مقالات زیاد و شرحی میسر و از نااطمینانگه کردن دستن با اداره نامه اوهان رسیده و زمانه ای که با ماضی «مسود کرد» در روزنامه آئین اسلام نگاشته شده بود شد. اینها اثرات و اظهار تیرمه نموده بودند. ما به مندرجات روزنامه آئین اسلام کاری نداریم روی سخن ما یکسانی است که مقوله مزبور را خوانده و معضوری با برادران کردستان که از خونین آن اظهار تیرم نموده و تا نا ابرامه حالات انترتاض امیرشان درج شود.

ما با کمال خوب و نیتی مایلیم کلیه مضال و مقالات وارده را درج کنیم ولی خود قضاوت خواهید فرود که بخت کسی صفحات نامه کوهستان نیشترانم که قلابه ای نیایل خود جبهه عمل داریم و از آفتابان مررت میخوانیم که ترانسیم منالانشان را که در این بخت نگاشته شده و دریاب کنیم. تا عانه باید گت در حال حشر معنی

آزادی نام این شده که هر کسی هر چه دلش بخواهد بفرستد و از هیچ شخص به هیچ مقام صلاحیت داری بیم نداشته ملاحظه ای نکنند ما در موضوع مناله فرق اندک و نیستیم می که باقی آیت الله داده شد یعنی میکنیم زیرا بقیده ما ایسان انتیجی به مرتضی وید دفع ندارد آن کسی که آتیر ایشان یادیده باشد خود خوب قضاوت میکند و ما نمیخواهیم در این موضوع فعلی باز کنیم که باز هم در این بخت می پیش یابید. در این موقع که چون سوی ملج و صفا پیش میبرد و همه جا از تیرتی و دوستی صحبت است و در سایه برقراری مصیبت و دوستی است که مثل بیوفایت همنی میروند به چیز جز بدبختی و بیچارگی مارا و اوار می کند زیرا که بدبختی کیم بر جای نوشتن مقالاتی که موجب ففاق و دولت است نباید دست بکار هائی برینیم که مودت و دوستی را بیشتر کند چرا نباید وقت خود را صرف این بختیم که اگر کسی چیزی نوشت سعی کنیم؛ او تیرم نگاشته، بد نوشته، نمانده فلان و فلان است چرا اگر واقفا توانائی و حسن نیت داریم نباید اگر نوشته شود با تیر بغشیده باروش خانلانه و مینتی از اثر برده آن نوگیری کنیم

نوشته هر قدر متین تر و دیربانه تر متکی بدلیل و منطق باشد از زش بیشتر دارد بازار قش و ناسرا دیگر خریدار ندارد و اثر هم ندارد.

ما معتقدیم که هیچگاه نباید مسائل

استقلال کرد

بانه از صفحه ۱

۴. هستی برای رسیدگی و تحقق مرگت از ما و بین پاکه امن یا سا ۴، ندمتگر اوه می غریب چنین هستی در تمام نواحی میگردند نارضائتی های مردم، حالت مامورین دولتی، احسانات اکراد و غیره را تحقیق میکنند نتیجه تحقیقات خود را گزارش میدهند مشروط باینکه این گزارش هم بسر نوشت گزارش آقای فیسی چهار نشود.

حال اگر در تیرتین علاقه وجدی بی در خود سراغ دارد این است میدان و این هم گوی. اگر این دولت هم مانند سایر دولتهای گذشته است دیگر در دسر روزنامه کیوان رضاییه، برای تهیه این قبیل موضوعها، برای سرمایه ییجوده است و ما هم وقت خود را بیعت در اطراف آن تلف نمیکنیم و از شماره آینده بطلب اساسی دیگر می برد زیم.

شومی را باغراض شخصی آلوده نمود بلکه وقتی موضوعی مطرح است اگر کسی ایرانی دارد باید بدلیل بیان کند و مردم قضاوت نمایند در چنین حالی میوان از نوشته استفاده نمود و الا سابق اشخاص را ببیان آوردن ویرایه می بآن بستن نتیجه اش این خواهد شد که در بصران هم همین عمل را با شخص مترض بنمایند.

مثلا اگر آقای مسود کرد مقاله ای خارج از تراکت در روزنامه ای مینویسد بکنند هم پیدا میشود که اعلامیه بلند بالائی چاپ کرده درستند منتشر میکنند و سوابقی برای ایشان بیان میکنند حال ما از آقای مسود کرد میروسیم چه چیز واقفا ایجاب میکرد که این فصل را شما به ازان فصل بدیختی کردستان بیان فرماید؟

ما معتقدیم باید این حرفهای کودکانه را کنار گذاشت و بی حیا باز بیه امیال این و آن قرار نگیرد و بجای این کارها مطالب مفید را طرح کرده و در راه اصلاح اوضاع ملاحظت بار کردستان قدمی برداشت ما این تذکره دوستانه را میبیم و انتظار هم داریم که خواننده ثان ما بر از دقت در صورتیکه صحیح و متین است قبول کنند و بکار بندند و از نهادن خواستاریم که پیوسته مسارا برای راست هدایت فرماید.